

قصه از کجا شروع شد؟

صبح 28 اسفند 92 همسرم ایمیلشو چک کرد دید که بله پرونده تکمیل شده و کیس نامبر ما از شماره آنکارا به ایروان تغییر کرده. برای ما که حدود یک سال منتظر بودیم بریم آنکارا و اونجا مصاحبه بشیم کلی سورپرایز بود. چون ما تو این مدت دیگه به اکثر خیابونهای آنکارا، هتل ها، هاستل ها، قیمتها، زبانش و ... وارد شده بودیم. و کلی اطلاعات جمع آوری کرده بودیم. تو مهاجرسرا هم که بیشتر سفرنامه های آنکارا مربوط به ویزای نامزدی و ازدواجی و لاتاری ها را خونده بودیم و کلی تجربه جمع کرده بودیم. خلاصه داشتیم چه کنم چه کنیم می کردیم که پنجم فروردین از سفارت ایروان ایمیل اومد که 8 اپریل (19 فروردین) وقت مصاحبه تونه و یک طومار بلند بالا هم از مدارکی که باید آماده می کردیم برامون فرستاده بودند.

1- ترجمه شناسنامه خودم و همسرم با مهر دادگستری

2- ترجمه سند ازدواج با مهر دادگستری

3- عکس جدید (2 عدد 5*5 برای سفارت و 3 تا 4*3 برای مدیکال) (فکرشو بکنید که من با این صورت کج و کوله عکس برای ویزا بندازم)

4- مدارک مالی اسپانسر (همسر) برای سال 2013

5- مدارک مالی Joint sponsor برای سال 2013

6- هر مدرکی که برای NVC فرستاده شده (اگر کیپی فرستاده شده اصلش را هم باید می بردیم و همینطور کیپی هر چه که اصلش را فرستاده بودیم) که در این مورد ما معمولاً همه چی را اصل فرستاده بودیم چون ایمیل قبول نمی کردند.

7- رزومه کاری من به زبان انگلیسی

8- و هر آنچه که به روند و سرعت صدور ویزا و اثبات رابطه کمک کند

خلاصه ما از صبح پاشنه ها را ور می کشیدیم و دنبال کارها بودیم. دارالترجمه ها بسته بودند. یکیشون که مدارک قبلیمون را هم ترجمه کرده بود را پیدا کردیم و از خونه شون کشیدیم بیرون و مدارک ما را ترجمه کرد و فرستاد برای دادگستری که اونجا قبول نکردند و گفتند که الان تو تعطیلات چه کاری، چه مهری و باید خود متقاضی بیاد. همسرم هم روز شنبه با پاسپورت و بلیط ها (پنج شنبه 7 فروردین بلیط اتوبوس را از دیدار سیر گیتی برای 14 فروردین رزرو کرده بودیم) رفت دادگستری و وزارت امور خارجه و ترجمه ها را مهر کرد و برگشت.

عکسها را هم انداختیم و همون روز حاضر شد. موند مدارک W2 و Joint sponsor 1040 که اون هم درگیر تدارک مراسم نامزدی و ... بود و سرش شلوغ بود و با این حال مدارک را تا 12 فروردین به دستمون رسوند. همسرم هم که چون آمریکا نبود مدارک مالی نداشت و براشون توضیح داد که من آمریکا نیستم و می خواستم برم که مجبور شدم برای همسرم که جراحی مغز داشت در ایران بمونم و ازش مراقبت کنم. ضمناً ما جلسه دومی که برای ویزیت بعد از عمل رفتیم پیش دکتر جراحم ازش خواستیم که یک نامه برای دکتر مدیکال بنویسه که من جراحی داستم و توضیح بده که هم چیز OK است و ایشون هم زحمت کشید و نامه را بهمون داد.

در این فاصله تو مهاجرسرا بیشتر سفرنامه های ارمنستان را خوندم و همین جا جا داره که از دوستان ازدواجی و نامزدی و خصوصاً لاتاری ها تشکر ویژه داشته باشم. همینطوراز BOOKING دنبال هتل گشتیم و بالاخره هتل Town Palace Hotel را برای دو شب رزرو کردیم. شبی 67 دلار.

از تمام مدارک هم کپی داشتیم و اونها را هم جمع کردیم و رزومه کاری هم به زبان انگلیسی درست کردیم و همه چیز آماده شد. فکر کنم حدود 2-3 کیلو فقط مدارک بود. بار و بندیل را بستیم و برای 14 فروردین آماده سفر شدیم.

ما بلیط را VIP و برای ساعت 12 رزرو کرده بودیم. چون با احتساب ما 24 ساعت بعد یعنی 12 ظهر ایروان هستیم و اختلاف ساعت هم نیم ساعت به نفع ما می شد. چون ما 1 ساعت ساعتها را کشیدیم جلو و اونها دست به ساعتشون نزدند. ساعت 11 رفتیم ترمینال و رفتیم دفتر دیدار سیر گیتی که خانومه گفت ساعت حرکت شما افتاده 1 بعد از ظهر، چون ماشینهامون دیر می رسند. داشتیم جر و بحث می کردیم که یک آقایی اومد گفت ساعت حرکت شما افتاده 3 بعد از ظهر و بلیط جدید هم براتون صادر شده. گفتیم چرا زنگ نزدید و حالا ما 4 ساعت اینجا معطل بشیم و از این حرفها که به گوششون نرفت. ما هم نشستیم تا وقت حرکت بشه. ناهار را هم تو ترمینال خوردیم. مسافرها همه کلافه بودند و غرغر می کردند. بالاخره گفتند که ساعت 2:30 راه می افتیم که تا جمع بشند و بارها را تحویل بگیرند همون ساعت 3 شد. رفتیم سوار اتوبوس بشیم دیدیم که اتوبوس دیدار سیر نیست و اتوبوس کمکی آوردند. سوار شدیم و راه افتادیم. یک جا برای چای و استراحت و یک جا هم برای شام نگه داشت که یک مغازه کوچک بود که مثلاً کباب داشت ولی کیفیت غذا در حد زیر صفر و قیمت بسیار بالا. ساعت 2:30 به مرز رسیدیم و پاسپورتها و چمدانها از دستگاه عبور داده شد. زیاد سخت نگرفتند یا ما بچه های خوبی بودیم. یک کم دلار هم اونجا به درام تبدیل کردیم که خیلی قیمتهاشون از تهران بهتره. توصیه می کنم دلار و درام را از مرز تهیه کنید. سوار شدیم و یک کم اونطرف تر دوباره پیداه شدیم و همه چی از نو. اونجا هم همه چی خوب پیش رفت و ساعت 5:30 راه افتادیم. جاده برفی بود و خیلی حرکت اتوبوس کند بود. به نظر من با اون جاده اگر برف هم نمی اومد باز هم نمی شد تند رفت. پیچها 360 درجه بود و اتوبوس ترمز کامل می کرد تا بخواد پیچه. چند بار تا ابرها رفتیم و هواپیماها را هم دیدم و برگشتیم پایین. به کسانی که ناراحتی قلب دارند توصیه می کنم زمینی نرنند. من که چشمهامو بسته بودم و خوابم برد.



برای صبحانه یکجا تو گوریس نگه داشت که معمولاً اونجا نگه می دارند. چون برگشت هم همونجا نگه داشت. صبحانه شون خوشمزه بود و فکر می کنم به خاطر نونهای خوشمزه شون بود. دوباره راه افتادیم وسطهای راه اتوبوس یکی از شرکتها خراب شده بود و مسافرهاشو ما سوار کردیم و تا نزدیکیهای ایروان اتوبوس ما خراب شد و رفتیم سوار همون اتوبوسی شدیم که مسافراشو سوار کرده بودیم. خاله خاله بازی داشتیم. حالا ما برای ساعت 2 وقت مدیکال داشتیم و هنوز سه ساعت راه تا ایروان داشتیم. ساعت 3:30 از اتوبوس زنگ زدیم به خانم دکتر کریستین و جریان را توضیح دادیم. گفت که من تا 5 بعد از ظهر منتظر می مونم اگر نرسیدید برای دوشنبه بیایید و جوابتون را سه شنبه که مصاحبه دارید آماده می کنم. ما ساعت 4 رسیدیم ترمینال و از همونجا فوری یک تاکسی گرفتیم 2000 درام گرفت تا ما را به بیمارستان رسوند. مراحل مدیکال با موفقیت انجام شد و خانم دکتر کریستین با مهربانی و صبوری همه کارها را انجام داد و هیچ واکسنی هم تزریق نکرد و گفت که دوشنبه جواب مدیکال حاضره. از اونجا تاکسی گرفتیم تا هتل ما را

رسوند و کلی دنبال تابلو هتل گشتیم. نگو تابلوش تو کوچه فرعیه . باز هم از خط ایرانمون زنگ زدیم به هتل و آدرس را به راننده داد و ما رفتیم اونجا. یک هتل ساکت و تمیز با پرسنل بسیار مودب و مهربان. اول که رفتیم اینقدر ساکت بود که فکر کردیم فقط ما اونجا هستیم. وسایل را گذاشتیم ، دوش گرفتیم و یک کم استراحت کردیم و بعد برای شام اومدیم . چون زیاد آشنایی نداشتیم یک جا همون نزدیکیها پیدا کردیم و غذا خوردیم. به نظر من غذاهاشون خیلی خوشمزه بود. من که هر چی اونجا خوردم چه از پیتزا چه غذاهای دیگه فوق العاده بود. برگشتیم هتل و خوابیدیم. صبح ساعت 10 زنگ زدند که صبحانه را کی میل می کنید؟ میز صبحانه تا ساعت 12 باز است. ما هم بلند شدیم و ساعت 11 رفتیم پایین برای صبحانه. چه صبحانه ای . عالی بود. صبحانه اینقدر غنی بود که تا شب چیزی نخوردیم. بعد از صبحانه زدیم بیرون که با شهر آشنا بشیم. اول رفتیم از VIVA Cell یک سیم کارت خریدیم و بعد پیاده راه افتادیم از خیابان Sayat-Nova رفتیم تا رسیدیم به خیابان Mashtots. اونجا یک سری آپارتمان تو سایت دیده بودیم که زنگ زدیم گفتند ما فقط به روسها اجازه می دیم. بعد به یک شماره دیگه زنگ زدیم که گفت اونجا خونه نداره ولی یک خیابان بالاتر جایی را داره. خودش اومد دنبالمون و ما را برد خونه را نشان داد. آپارتمان در تقاطع خیابان Mashtots و Moskovian بود و به صورت یک مجتمع بود. در نگاه اول محوطه آپارتمان به نظر خوب نمی اومد ، ساکت بود ولی داخلش خوب بود. گفت شب 50 دلار که با چونه و این حرفها به 40 رسوندیم و توافق کردیم که یکشنبه بریم اونجا. آپارتمان یک خوابه بود و همه چیزهای اولیه را داشت. ما هر چی که برده بودیم از ظرف و خوراکی و این حرفها همونطور برگردوندیم. اینقدر خوراکیهای اینجا خوشمزه بود که اصلاً دلتون نمی خواد اونهایی را که بردید استفاده کنید.

یکشنبه بعد از صبحانه خوبی که خوردیم از هتل اسباب کشی کردیم و با تاکسی به آپارتمان جدید رفتیم. آپارتمان از نظر موقعیت بسیار جای خوبی بود و به همه جا دسترسی داشتیم. هتل Wifi داشت ولی آپارتمان نه. و ما شب اول مجبور بودیم که از اینترنت موبایل استفاده کنیم که خیلی گرون در می اومد. به هر حال با مواردی که برامون پیش اومده بود مجبور بودیم تند تند ایمیلهامون را چک کنیم که یک موقع شب قبل نگو فلان مدارک را هم بیارید.

روز دوشنبه ساعت 4 بعد از ظهر جواب مدیکال را گرفتیم. جلوی بیمارستان کلی فروشگاه و تره بار بود که قیمتهاش از فروشگاهها و سوپر مارکتها بهتر بود. روز مادر بود و تعطیلاتشون بود. بیشتر مردم در میدان جمهوری (که خودشون به نام هتل واقع در میدان یعنی هاراپراک می شناسن) جمع شده بودند و خیلی آرام و تمیز حرکت می کردند و یا روی نیمکتها نشسته بودند و رقص فواره ها را نگاه می کردند. تو اون شلوغی می شد آرامش و احترام را در بین مردم به وضوح دید. میدان در شب بسیار زیبا بود و مخصوصاً نورپردازی ساختمانهاشون که جلوه بسیار زیبایی به ساختمان و اطرافش می داد. غذا را هم همون اطراف خوردیم و بعد به خونه برگشتیم. روز سه شنبه ، روز مصاحبه، ساعت 1 بعد از ظهر پیاده تا میدان جمهوری رفتیم و از اونجا با تاکسی به سفارت رفتیم. منتظر موندیم تا ساعت 2 که نگهبان جلوی در با یک لیست از اسامی اومد جلو و بعد از چک کردن پاسپورتها اجازه می داد که داخل محوطه بشیم. من نفر چهارم بودم. حدود 100 متر داخل محوطه سفارت به یک ساختمان دیگه رسیدم که بیرون اونجا منتظر شدم تا اجازه ورود بدهند. صدام کردند و رفتم داخل بعد از عبور از دستگاه و سوال اینکه آیا موبایل و وسایل الکترونیکی و ... دارم یا خیر اجازه دادند که وارد ساختمان اصلی سفارت که در حیاط پشتی بود بشم. خانومی اونجا بود که منو راهنمایی کرد و رفتم جلوی ساختمان اصلی. دوباره صبر کردم تا اجازه ورود بگیرم و بعد وارد سالن شدم. مسئول جلوی در ازم پرسید که به جز کاغذ مدرک دیگه ای مثل CD یا غیره داری که بهم شماره بده؟ گفتم خیر . گفت روی نیمکتها منتظر باشید تا صداتون کنند. به جز من یک خانم ایرانی هم بود که یک سال بود ازدواج کرده بود کنار من نشسته بود و با هم کمی صحبت کردیم . یک خانم ایرانی دیگه ای هم بود و یک زن و شوهر ارمنی با نوزادشون. و یک خانواده ارمنی دیگه. اول خانم جوان ایرانی را صدا کرد باجه 7 و بعد از یک دقیقه من را صدا کرد به باجه 8 . خانمی که کاملاً فارسی را خوب

صحبت می کرد و به نظر ایرانی می اومد مدارک را یکی یکی چک می کرد و ازم می گرفت. پوشه مدارک من جلوش بود که فکر کنم دقیقاً ارتفاعش اندازه یک بالش بود. از من شناسنامه ، پاسپورت ، سند ازدواج ، مدارک مالی اسپانسر و جوینت اسپانسر، جواب مدیکال و عکس جدید را گرفت و عکسهای قدیمی را بهم برگردوند و هیچ کدام از مدارکی را که ترجمه کرده بودیم و برایش کل تهران را دویده بودیم را ازم نگرفت. خیلی حرص خورم ، با خودم گفتم شما که این مدارک را دارید برای چی خرج می تراشید؟!!!! یک لیست هم جلوی دستش بود که هر کدام از مدارک را می گرفت و سوالاتی را که می کرد مارک می کرد و بعضی ها را هم با قرمز علامت می زد. بعد گفت بشینید تا صداتون کنند. بعد از یک دقیقه صدام کردند به باجه 11 که یک اتاق بود چهار تا صندلی ردیف جلوی یک باجه شیشه ای. آفیسر من یک آقای آمریکایی بود که فارسی با هم سلام و احوال پرسی کردیم و خسته نباشید گفتیم. خیلی شیرین صحبت می کرد و گاهی هم تپق می زد ولی دوست داشتم. ازم پرسید که کی و چطوری آشنا شدید؟ چند ساله ازدواج کردید؟ شغل قبلیت چی بوده و چه کار می کردی؟ همسرت الان کجاست؟ برای چی می خوای بری آمریکا و آیا اونجا را دوست داری؟ من هم گفتم همسر من دوست داره بره اونجا و من هم همراهش می رم. گفت یعنی تو دوست نداری؟ گفتم چرا!!!!!!!!!!!!!! . من هم همسر من را دوست دارم و هم آمریکا را. خوشحال شد و چیز دیگه ای در این مورد نپرسید. چند تا سوال دیگه هم راجع به جوینت اسپانسر پرسید که چه نسبتی با شما داره و بعد از گرفتم ویزا کجا می خواهید اقامت داشته باشید و از این سوال ها. بعد هم شناسنامه و سند ازدواج را بهم پس داد. من اول فکر کردم که پاسپورتم را برگردوند. گفتم ای وای چک را خوردم ولی خوب که نگاه کردم دیدیم نه پاسپورت هنوز زیر دستشه. یک کم امیدوارم شدم. بعد هم گفت یک لحظه صبر کن و با خانومی که اول مدارک را از من گرفته بود برگشت و برایش توضیح داد که نیاز داره چند تا عکس از ارتباطمون داشته باشه . من فهمیدم ولی اجازه دادم خانم برام توضیح بده. من هم گفتم همراه هست ولی تو موبایلمه و باید چاپ کنم. گفت چاپ کن و به صندوق بنداز . ما جواب می دیم. من هم تشکر کردم و اومدم بیرون. نمی دونستم باید خوشحال باشم یا نه. با توجه به تجربیات دوستان ممکن بود که بعد از دریافت عکسها ، مدارک دیگه ای بخوان و بعد هم پاسپورت را بهم برگردوند و جمله معروف " سایت را چک کنید تا جوابش بیاد " را بهم بگند. ولی با این حال آهسته آهسته اومدم و دیدم که همسر من بیرون داره پر پر می زنه. گفتم بذار بدوم که از نگرانی در بیاد. دویدم و بهش گفتم که همه چی OK فقط عکس می خوان. سریع تاکسی گرفتیم و در میدان جمهوری به یک عکاسی رفتیم و چند تا عکس از ابتدای آشنایی و نامزدی تا 13 بدر امسال را براشون چاپ کردیم که 50 تا شد. گفتم دیگه اینا باشند که نگن مدارکتون کامل نیست. با عجله دوباره با تاکسی رفتیم و عکسها را بدریم داخل محوطه و جلوی ساختمان اول همسر من رفت داخل و عکسها را داخل پاکت گذاشت و شماره کیس و شماره تماس هم داد و اومدم بیرون . حالا خیالمون راحت شد که ازمون شماره تلفن گرفتند که وقتی ویزا حاضر شد بهمون خبر بدهند. رفتیم میدان جمهوری و قدم زنان به سمت خونه رفتیم. یادمون افتاد که غذا نخوریم. رفتیم رستوران شاه پیتزا. غذا سفارش دادیم و از wifi مجانی اونجا هم استفاده کردیم. از فردا سایت CEAC را دو بار در روز چک می کردم و هر روز آپدیت می شد و شب بعد از روز مصاحبه یعنی چهارشنبه شب CEAC را دوباره چک کردم دیدم خدای من Issued شدم. باورم نمی شد. خیلی خوشحال شدیم و منتظر بودیم که باهامون تماس بگیرند. روز پنجشنبه 10 اپریل ساعت 10 صبح از سفارت تماس گرفتند و گفتند که ویزاتون آماده است و ساعت 4 بعد از ظهر بیاید ببرید. ما هم همون موقع زدیم بیرون و رفتیم سمت میدون جمهوری و یک گشتی زدیم و ساعت 2:30 رفتیم سفارت. ولی خیلی زود رفته بودیم و گفتند باید تا 4 صبر کنیم. ما هم بیرون منتظر شدیم. چند تایی از بچه های لاتاری برای مصاحبه رفته بودند و خوشبختانه هر کی اومد بیرون قبول شده بود. خلاصه ساعت 4 شد و نگهبان اجازه داد من با ک-بی پاسپورتم برم داخل. 165 دلار هزینه ویزا را هم آماده کردم که اونجا بهشون بدم. داخل شدم و همون روال بازرسی و ... انجام شد و رفتم داخل سالن اصلی. 2 دقیقه نشستیم که صدا کردند ویزای مهاجرتی. من هم رفتم باجه 9 و اونجا خانمی کپی پاسپورت را ازم گرفت و رفت با یک پاکت بزرگ و دو برگ کاغذ و پاسپورتم برگشت. گفت که پاکت را بعد از ورود به آمریکا در فرودگاه قسمت مهاجرت تحویل بدید. یکی از برگه ها نحوه پرداخت آنلاین 165 دلار (هزینه

ویزا) بود که بایستی تا قبل از ورود به آمریکا پرداخت شود و در آن شماره کیس و A No. و مشخصات من بود. برگه دوم هم راهنمای اقدام برای Social Security بود که بعد از ورود به خاک آمریکا می توانستم اقدام کنم. تشکر کردم و اومدم بیرون. و همراه همسر رفتیم تو شهر گشتی زدیم و بعد رفتیم برای برگشت بلیط رزرو کنیم که تا روز یکشنبه بلیط نداشت. ما هم همون را OK کردیم و رفتیم دیگه برای خودمون دو روز مونده را زندگی کنیم.

روز جمعه و شنبه ما صرف گشت و گذار از شهر بود. همه جا را هم بیشتر پیاده می رفتیم. هوا عالی بود و بسیار تمیز. از جاهای دیدنی اونجا مجسمه مادر ارمنی بود که جای قشنگی بود و از اون بالا تمام شهر مشخص بود. داخلش هم موزه جنگ بود که از اون هم دیدن کردیم. بعد هم برگشتیم یک کم از SAS خرید کردیم و رفتیم خونه. روز شنبه رفتیم شنبه بازار که در میدان جمهوری اول خیابان نعلبندیان یک پارک بود که وسطش شنبه بازار بود و همه چی اونجا پیدا می شد. یک کم سوغاتی خریدیم و بعد رفتیم میدان جمهوری و روی نیمکتها نشستیم و یک کم آب میوه و نوشابه خوردیم و عکس گرفتیم و بعد قدم زنان برگشتیم خونه که بار و بندیل را جمع کنیم و برگردیم. روز یکشنبه هم صبح ساعت 9 صبح خانه را تحویل دادیم و رفتیم ترمینال و ساعت 10 صبح حرکت کردیم. جاده خیلی زیباتر از قبل شده بود و در کل از رفت خیلی بهتر بود. برای ناهار در گوریس و ساعت 7 بعد از ظهر به مرز رسیدیم و تا ساعت 9:30 اونجا بودیم. بعد هم برای شام یک جایی نگه داشت که 5 کیلومتری مشکین شهر بود و من معنی واقعی کبابهای لاستیکی را اونجا به وضوح حس کردم. بعد هم راه افتادیم و ساعت 9:30 رسیدیم تهران. کلاً به جز استرس و نگرانی قبل از مصاحبه و یک کمی هم تو راه بقیه مسافرت خیلی عالی و خاطره انگیز پیش رفت. همین جا جا داره که از همه دوستان مهاجرسرا که از ابتدای ورودم تا حالا همه جوهره به من کمک کردند تشکر کنم، خصوصاً از عزیزانی که سفرنامه هاشون را می نویسند تا بقیه دوستان با محیط و نحوه مصاحبه آشنا بشند و وظیفه خودم می دونم که من هم دینم را به همه دوستان و عزیزانم ادا کنم.

- 1- از تمام مدارکی برای NVC می فرستید یک کپی برای خودتون داشته باشید که ممکنه لازمتون بشه.
- 2- اگر قصد سفر به ارمنستان به صورت زمین دارید حتماً روز حرکت قبل از اینکه از منزل خارج بشید با شرکت مسافربری تماس بگیرید و از ساعت حرکتتون مطمئن بشید.
- 3- همونطور که دوستانمون هم در سفرنامه هاشون گفتند راه ایروان از بعد از مرز بسیار پر پیچ و خم است و خودتون را برای یک هیجان آماده کنید. البته راننده هاشون بسیار به مسیر آشنایی دارند و الحاق که خوب از پیشش براومدند.
- 4- سعی کنید زیاد بار و بندیل با خودتون بر ندارید. اونجا در هتل ها همه جور امکانات هست و حتی اگر آپارتمان هم کرایه می کنید ظرف و وسیله داخلش هست. اگر هم چیزی کم داشتید (مثل من که سشوار نداشتم) صاحبخانه با مهربانی براتون می آره.
- 5- مردم ایروان بسیار مردم آروم و خونسردی هستند و به حقوق هم احترام می ذارند. اگر کمکی هم ازشون بخواهید دریغ نمی کنند. مثلاً تو سوپر مارکت SAS ما دنبال هر چی که می گشتیم دو سه نفری به کمکمون می اومدند و ما را با انگلیسی دست و پا شکسته راهنمایی می کردند.
- 6- ایروان شب های فوق العاده قشنگ و امنی داره و آرامش را به وضوح می تونید در شهر ببینید. حتی اگر هم تو جای شلوغ برید امکان نداره که دعوا یا سر و صدا یا بوق و ... بشنوید. رانندگان بسیار با مراعات رانندگی می کنند و قبل از خط عابر پیاده ترمز می کنند چه چراغ سبز باشه چه نباشه. مثل ایران نیست که چراغ سبز هم هست راننده ها از روت رد می شنند.

1- آدرس هتل Town Palace که برای دو نفر از شبی 54 دلار شروع می شه. فوق العاده تمیز و ساکت با پرسنل بسیار عالی. فقط مشککش اینه که چون داخل کوچه است پیدا کردنش مشکله و از تو خیابون تابلو نداره.

Town Palace Hotel
Sharah Talian, 0001 Yerevan

Phone: +374 11 889882



2- آدرس بیمارستان موراتسان و دکتر کریستین

آدرس بیمارستان موراتسان به زبان ارمنی :

Բժ. Քրիստինե Խաչատրյան
Մուրացան փող. 114
“Մուրացան” համալսարանական հիվանդանոց
2-րդ հարկ (մուտքը պոլիկլինիկայի կողմից)
Հետազոտման սենյակ 222

Երկուշաբթիից-շաբաթ, 9:00-16:00

Հեռ. (37410) 56-72-65 աշխ.

(37491) 20-51-43 բջջ.

Էլեկտրոնային փոստ. kristinekhachatryan@ymail.com

آدرس بیمارستان موراتسان به زبان انگلیسی :

114 Muratsan str., < Muratsan> University Clinic, II floor, Room N222

Yerevan, Armenia

Dr. Kristine R. Khachatryan
Muratsan University Hospital
2nd floor (entrance from polyclinic side)
Examination Room 222
114 Muratsan St

9am – 4pm Monday-Saturday

Tel. (37410) 56-72-65 (work)

(37491) 20-51-43 (mobile)

E-mail: kristinekhachatryan@ymail.com

3- آدرس سفارت آمریکا (از میدان جمهوری می تونید با تاکسی برید. معمولاً رانندگان تاکسی اونجا را بلدند)

آدرس سفارت آمریکا به زبان ارمنی :

Մեր հեռախոսահամարն է (+374 10) 49-46-86
Մեր փոստային հասցեն է.
ՀՀ, Երևան 0082, Ամերիկյան պող 1, հյուպատոսական բաժին,
ԱՄՆ դեսպանատուն

آدرس سفارت آمریکا به زبان انگلیسی :

Our phone number is: (+374 10) 49-46-86
Our mailing address is:
Consular Section
U.S. Embassy
1 American Avenue
Yerevan 0082
Armenia

4- شنبه و یکشنبه بازار : میدان جمهوری (که خودشون به نام **Marriott** که در هتلی دراونجاست می شناسند) ، ابتدای خیابان

نعل بندیان . دسمت راست ، داخل پارک

5- آپارتمانی که ما اجاره کردیم نبش خیابان **Mashtots** و **Moskovyan** بود. موقعیت بسیار عالی داشت و به همه چی به جز

سفارت و مدیکال دسترسی دارید.

6- برای خرید مرغ و ماهی و تخم مرغ و ماکارونی و اسپاگتی و یه جایی مثل مولوی خودمون هست که قیمتهاش ارزون تر از

فروشگاه های **SAS** و مینی مارکتهای نزدیک خونه تون است.

آدرس : از میدان جمهوری به سمت جنوب خیابان **Tigran Mets** را می رید پائین تا می رسید به یه خیابان دو راهی به نام

Movses Khorenatsi البته ما همه اینها را پیاده رفتیم ولی شما می تونید با اتوبوس از میدان جمهوری هم برید.



7- برای غذا از در هر فست فود و رستورانی برید داخل به نظر من خیلی کم پیش می یاد ناراضی برگردید. **KFC** و **Pizza Hot** در

قسمتهای مختلف شهر شعبه داره که بسیار خوشمزه است. شاه پیتزا هم در خیابان **Mashtots** خوب بود. قهوه های خیلی

خوشمزه ای دارند که من از **100** درامی فروشنده معمولی امتحان کردم تا **2000** درامی هتل **Marriott** هر کدوم به یک نحوی

خوشمزه بود. مزه واقعی کوکا کولا و فانتا و پیسی و را اونجا می شه فهمید. نونهاشون بسیار خوشمزه بود و از خوردنش سیر نمی شید.

8- شعبات سوپرمارکتهای SAS

- خیابان Amiryan نبش خیابان Mashtots

- خیابان Abovyan

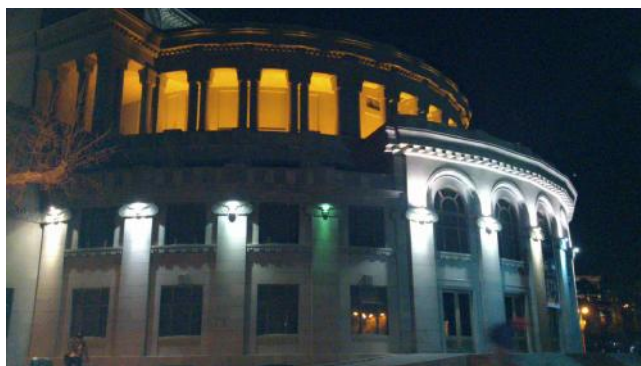
- خیابان Tumanyan بین خیابانهای Mashtots و ghazar Parpetsi

9- اگر زمینی مسافرت می کنید بهترین کار اینه که در مرز ریال به دلار و یا دلار به درام انجام بدید . چون صرافی های تهران بسیار قیمت دلار و درامشون بسیار بالا است . برای تبدیل دلار به درام هم می تونید به صرافی ایرانیان واقع در میدان جمهوری ، خیابان Tigran Mets ، کمتر از 100 پایین تر، سمت راست نرسید به خیابان پطروس آدامیان مراجعه کنید. بسیار دلار و درام را منصفانه و بالاتر از جاهای دیگه change می کرد.

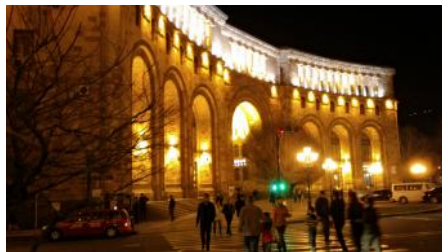
10- مجسمه مادر ارمنی هم به سمت شمال در انتهای خیابان Mashtots بالای تپه ای واقع شده که می تونید تا پایین تپه پیاده برید و از اونجا با تاکسی یا اتوبوس برید.



11- میدان اپرا هم جای فشنگی است و داخل محوطه اش پر از کافی تریا و رستوران است. آدرسش تقاطع خیابان Sayat-Nova و Mashtots است.



12- اطراف میدان جمهوری هم ساختمانهای بسیار زیبایی قرار دارد که در شب با نورپردازی و رقص فواره ها مردم زیادی را دور خود جمع می کند.



13- در مورد سیم کارتی که خریداری می کنید دقت کنید که بسیار پر هزینه است و مثل ایرانسل خودمون می مونه و کارت شارژ را می تونید از هر سوپر مارکتی بخرید. ولی توصیه من به شما اینه که از کارت شارژی که می خرید برای تلفنهای ضروری استفاده کنید و برای اینترنت هم از Wifi های مجانی مردم خوب ایروان استفاده کنید. به عنوان مثال من از Wifi ایستگاه مترو در خیابان Isahakyan یا میدان جمهوری جلوی درب هتل Marriott یا جلوی هتل Ani Plaza و ... استفاده می کردم که خیلی با سرعت بود و خیلی هم به نفعمون شد.

14- برای گرفتن عکس و چاپ آن می تونید از عکاسی واقع در میدان جمهوری ، خیابان Tigran Mets، ابتدای خیابان Petros Adamyan استفاده کنید.

یکبار دیگه از مدیران زحمت کش مهاجرسرا، دوستان خوب تاپیک ویزای نامزدی و ازدواج، دوستان عزیز لاتاری و همه عزیزانی که در این مدت همه جور به من کمک کردند کمال تشکر را دارم و امیدوارم که امسال برای همه دوستان سالی پر از ویزای یک ضرب و خبرهای خوش همراه با سلامتی و خوشی باشد.